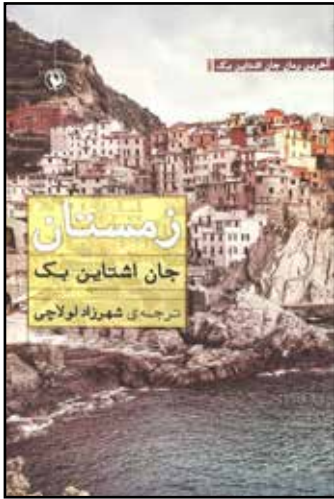


برای آخرین وداع
جان اشتاین بک بارمان

زمستان، نوشته جان ارنست اشتاین بک به ترجمه شهرزاد لولاچی از نشر مروارید است. در اولین نگاه، نوشته گوشه سمت راست روی جلدش که نوشته شده، «آخرین رمان جان اشتاین بک»، کنجکاوی خواننده حرفه‌ای رمان را برمی‌انگیزد که این خالق شاهکار خوشه‌های خشم و برنده جایزه نوبل، در آخرین رمانش دست به خلق چه دنیایی و چه آدم‌هایی زده است؟ آخرین نگاه او به دنیا در عمر نه چندان بلندش چه بوده است؟

زمستان رمان کم و بیش بلندی است که در ۲۲ فصل نوشته شده. فصل‌هایی عنوان و کاملاً پیوسته به هم هستند. آغاز رمان بیشتر بر پایه دیالوگ است تا توصیف و از آن جایی که به گونه‌ای نوشته شده که گوینده را به شیوه برخی نویسندگان مدرن که مورد اقبال نویسندگان ایرانی هم بوده است، مشخص نمی‌کند.

به این خاطر رمان در ابتدا کمی سخت جلو می‌رود، اما کمی که با فضا و شخصیت‌ها و حال و هوای رمان چفت می‌شوی، شخصیت‌ها شناخته می‌شوند و ارتباط با این شیوه نوشتن آسان می‌شود. رمان درباره خانواده‌ای است که اجدادشان به آمریکا مهاجرت کرده‌اند و حالا جزو اصیل‌ترین مردم آمریکا محسوب می‌شوند اما از پس سال‌ها، اکنون با وجود گذشته‌ای درخشان که به آن می‌بالند، درگیر مسائل اقتصادی هستند.

راوی پدر خانواده است که با وجود مشکلات، عشق به همسر و فرزندانش را فراموش نمی‌کند. مذهب را بر نمی‌تابد و نگاهی متفاوت البته گاه ناپهیلیستی به دنیا دارد. شاگرد یک خواروبارفروشی است و بسیار درستکار و وفادار و خلاصه مرد خوب خانواده. اما اگر داستان از آن جاشروع می‌شود که تصمیم می‌گیرد برای حل مشکلات اقتصادی خانواده، کاری بکند تا هم عنوان گذشته‌خاندانش را باز یابد و هم رضایت همسر و فرزندانش را جلب کرده باشد.

با این تصمیم افراد جدیدی وارد زندگی او می‌شوند و کشش داستان از همین‌جا آغاز می‌شود. جان اشتاین بک نگاه موشکافانه و روانشناختی‌ای از این شخصیت به دست می‌دهد و نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی و جامعه چگونه آرام آرام، دست به تغییر انسان‌ها می‌زند و چگونه شرایط سخت و عنصر پول روح انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جان اشتاین بک کاملاً بی‌قضاوت است درباره آنچه در درون شخصیت داستانش رخ می‌دهد که در واقع نقطه قوت این رمان است. او فقط می‌خواهد نشان دهد روح انسان‌ها با تمام باورهایشان در برابر شرایط پیش رویشان چگونه تغییر می‌کند بدون این‌که انگشت اتهامش را به سویشان بگیرد. بدون این‌که بخواهم قضاوتی داشته باشم، باید بگویم که پرداخت شخصیت و سیر تغییر او با نگاه و پرداخت و نثر فوق العاده این نابغه آفرینش ادبی آنقدر قابل تحسین است که می‌توان بلند شد و تمام قد در برابرش ایستاد.

درباره این رمان یا باید بسیار گفت و گفت یا باید بی‌کلام بود و چیزی نگفت. چرا که این رمان بدون این‌که بخواهد شیوه‌های تکنیکی پیچیده در رمان نویسی، از آن دست که امروزه بسیار می‌بینیم را به رخ خواننده بکشد، خودش به‌سادگی معرف قدرتش در پرداخت روح انسانی است. البته که ترجمه خوب خانم شهرزاد لولاچی هم در درک نثر و فضای رمان بسیار کارآمد بوده است.

درباره کتابی به نام «تاهفت خانه آن ورتر» از صابر ابر

اینک آخر الزمان



پاگیرد که چه گوهری را از دست دادیم.

از دورانی خیلی کهن حرف نمی‌زنم، همین چند سال پیش، از صادق هدایت می‌گویم. از بهرام صادقی و غلامحسین ساعدی حرف می‌زنم. نه! خیلی دور نرویم، از همین پارسال حرف می‌زنم. از کوروش اسدی حرف می‌زنم. دور نرویم از همین روزها حرف می‌زنم که محمود دولت‌آبادی هنوز جلوی چشمان است. نون نوشتن را که بخوانید از قصه پر درد نوشتن کلیدر برایتان خواهد گفت. اکنون با چند و چون و خوب و بد و سبک و سیاقی رمان کلیدر کاری ندارم که آن بحثی است مفصل. اما کلیدر در حال حاضر بلندترین رمان ایرانی است که در ۱۱ جلد یا پنج جلد فشرده منتشر می‌شود که یک دوره پنج جلدی پالتویی کلیدر ۱۵۰ هزار تومان قیمت خورده است و همین هم در توان خرید بسیاری از کتابخوانان نیست. به قول معروف، آن‌که می‌تواند کتاب بخرد، کتاب نمی‌خواند و آن‌که کتاب می‌خواند، نمی‌تواند کتاب بخرد. این مثل معروف حالا مصداق زیادی پیدا کرده است.

این روزهایی که همه سرشان با

بالا پایین شدن ارز و دلار و طلا و سکه گرم است و برخی اجناس در فروشگاه‌ها کمیاب و گاه نایاب شده، مجلس پر از اخبار حالا دیگر عادی است و روابط بین‌الملل در حال نوسان است و یک روز که نه، تمام دقایق روز با حادثه‌ای می‌شود، یک اتفاقی که هست که باید در تاریخ پر و پیمان این روزها ثبت شود و بر شرم این سال‌ها بیفزاید. کتابی با تمام برگ‌های گلاسه و به قیمت ۳۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد و با امضای خود نویسنده ۳۵۰ هزار تومان به دست خریدار و اتفاقاً نه خواننده حرفه‌ای می‌رسد. از «تاهفت خانه آن ورتر» که صابر ابر بازیگر جوان سینما منتشر کرده است، حرف می‌زنم. پایه و اساس این کتاب هم دلنوشته‌های صابر در اینستاگرام است که کتابی با نام «هر رازی که فاش می‌کنید، یک ماهی قرمز می‌میرد» به چاپ رسانده بود و حالا با شرح و تفصیلی بیشتر و استفاده از نوستالژی بازی ایرانی‌ها کتاب «تاهفت خانه آن ورتر» در کاغذ گلاسه به قیمتی باورنکردنی به فروش می‌رسد. محتویات کتاب پرداختن به نوستالژی‌های ایرانی و مادر بزرگی است غذاهایی که بویش تاهفت خانه آن طرف‌تر می‌رود و

ورود سلبریتی‌هایی که معلوم نیست چرا و به چه علت در هر کاری سرک می‌کنند، درد تازه‌ای اضافه کرده تا نویسندگان به محاق بروند. از «تاهفت خانه آن ورتر» که صابر ابر بازیگر جوان سینما منتشر کرده است، حرف می‌زنم

جمله‌هایی شاعر مسلکانه. قیمت حیرت‌انگیز کتاب که البته باید در گذاشتن نام «کتاب» روی برخی تولیدات ناشران، و سواس و دقت به خرج داد، ربطی به گرانی اجناسی مثل رب گوجه‌فرنگی و بالا رفتن قیمت پوشک بچه ندارد، بلکه این هم بازی خطرناکی در حیطه فرهنگ و ضربه‌ای به جان‌نزار این جنازه در حال احتضار است. تام هنکس در ۶۱ سالگی و بعد سال‌ها خطا و آزمون تصمیم به چاپ نخستین مجموعه داستان‌هایش می‌گیرد و کتابش را نه به‌عنوان یک بازیگر پرفرستار که به‌عنوان یک نویسنده تمام عیار وارد بازار کتاب جهانی می‌کند و کمتر از یک

ماه رکورد فروش را می‌شکنند، آن هم در موقعیت و مکانی که ورود به جهان نویسندگی یک شوخی بچگانه نیست. کتابی که در ایران با خرید کبی‌رایت به قیمت ۳۵ هزار تومان به فروش می‌رسد. اما قصه در ایران از لونی دیگر است؛ سلبریتی‌ها می‌توانند وارد سیاست شوند و ربط انتخاب و تصمیم مردم را حالا غلط یا درست تعیین کنند. می‌توانند وارد بازی‌های کلان اقتصادی شوند و در عین حال از گرانی ارز گله کنند. می‌توانند نقاش شوند و قیمت‌های نجومی برای مشق نقاشی خود تعیین کنند، ناگهان مترجم می‌شوند و حالا چرا نویسنده نشوند؟ گیرم یکی محمود دولت‌آبادی باشد و ده سال بنشینند و از پی نوشتن بی‌وقفه، استخوان دستش بزند بیرون که یازده جلد رمان را با قیمت ۱۵۰ هزار تومان بفروشند و حالا دلنوشته‌های اینستاگرامی صابر ابر با قیمت ۳۰۰ هزار تومان فروش می‌رود که اتفاقاً خریدار هم دارد. همان‌طور که یک پرس غذا در رستورانی در خیابان فرشته با قیمت ۳۰۰ هزار تومان هم مشتری خودش را دارد.

اگر قرار است از نوستالژی بخوانیم، چرا کتاب کوچه فولکلور فارسی است؟ باور کنید کتاب کوچه داستان‌های جذاب‌تری برای گفتن دارد. باور کنید قصه‌های ناب‌تری تعریف می‌کنند و برای نوشتنش عمری بس دراز صرف شده است. تزئین دلنوشته‌های اینستاگرامی یک بازیگر با کاغذ نایاب گلاسه و جلد آنچنانی، اگر ابتدال و سقوط نیست پس چیست؟ اگر آخرالزمان نیست پس چیست؟ برای هزینه چاپ چنین کتابی، بسیار نویسندگان جویای نام را به حاشیه راندن و به علف‌های هرز یأس او آب دادن، اگر نیست، پس چیست؟

از خیلی دور حرف نمی‌زنم؛ از همین روزها می‌گویم که ناشران به نویسندگان می‌گویند رمان بازاری فروش دارد نه داستان نخبه‌گرا. رمان فروش دارد، نه داستان کوتاه. ترجمه فروش دارد، نه تألیف. حالا اما ورود سلبریتی‌هایی که معلوم نیست چرا و به چه علت در هر

ناگوار آن جاست که به اعتبار نام بازیگری کتابی با قیمت نجومی به چاپ می‌رسد و قیمت امضای نویسنده ۵۰ هزار تومان آب می‌خورد، این در حالی است که نویسندگان بنام ایران در عزلت و گوشه‌گیری و نداری یا جان می‌دهند، یا جان خود می‌ستانند

کاری سرک می‌کنند، درد تازه‌ای به این نسخه‌ها اضافه کرده تا نویسندگان به محاق بروند تا با چاپ یک دلنوشته اینستاگرامی چیزی به ادبیات این مرز و بوم اضافه نشود که نشود.

کاغذ و طراح و هزینه برای این‌که بخوانیم: «مراقب ماهی‌های دل‌هایتان باشید» یا «هر رازی که فاش می‌کنید، یک ماهی قرمز می‌میرد»، چیزی جز احساسات روزمره کودکانه و لوث بیشتر نیست. اندیشه، حرف روز، تکنیک، قصه، تصویرسازی و بسیاری دیگر در این جملات وجود ندارند و بیشتر به پیامک‌های تلگرامی شبیه‌اند. امید است که صابر ابر نویسنده‌ای توانا باشد و این یادداشت به هیچ وجه فعالیت‌های سینمایی او را زیر سؤال نمی‌برد، اما حتی اگر این کتاب مشمول داستان‌هایی نو و بی‌بدیل بود، باز هم دلیلی نداشت که کتاب در کاغذ تمام گلاسه فقط برای قشر خاصی که توانایی رفتن به رستوران‌های خیابان فرشته را دارند به چاپ برسد.

هدف از چاپ کتاب حرف نوزدن است و اضافه کردن چیزی به این فرهنگ، نه پر کردن و زیبا کردن قفسه کتابخانه‌هایی که شاید غبار ویرینی روی آن‌ها بنشیند. نوشتن از غذا و فرهنگ خوب است، نوشتن از نوستالژی خوب است، اما ناگوار آن جاست که به اعتبار نام بازیگری کتابی با قیمت نجومی به چاپ می‌رسد و قیمت امضای او ۵۰ هزار تومان آب می‌خورد، این در حالی است که نویسندگان بنام ایران در عزلت و گوشه‌گیری و نداری یا جان می‌دهند، یا جان خود می‌ستانند.

